

آقای ترامپ و روح توافق هسته ای

امیرفیض- حقوقدان

در بیستم ماه آوریل سال جاری آقای ترامپ در رابطه با برجام مطلبی را عنوان کرد که گرچه ظاهرش نا قبول و استیضاح بردار است ولی تعمق در آن لازم و از اسباب گرفتاری ایران میباشد.

ایشان گفتند: **>ایران مطابق روح توافق هسته ای عمل نمیکند و ایران باید به روح توافق هسته ای وفادار باشد<** و آقای ظریف وزیر خارجه جمهوری اسلامی هم در پاسخ **>اتهامات آمریکا را نخ نما خوانده است<**.

پاسخ آقای ظریف

قبل از ورود به بحث بهتر است یک اشاره کوتاهی به پاسخ ظریف داشته باشیم که خود گویای خیلی چیزهاست، پاسخ آقای ظریف گرچه سبک و عامیانه است ولی وزنه حقوقی در مورد ادعای رئیس جمهوری آمریکا حساب نمیشود.

نخ نما که به معنای فرسودگی در اثر کارکردن است، در اینجا میتواند به آن معنا گرفته شود که ایران مطابق روح توافق هسته ای سالهاست که عمل کرده است.

در صورتی که همانطور که در این تحریر خواهید یافت اساساً روح قرارداد وجودی نیست که مبنای کار حقوقی باشد و نباید یک طرف قرارداد به ادعای باطله طرف دیگر که در حول و حوش روح قرارداد است مهرتائید بزند.

روح توافقنامه چیست؟ حدش در کجاست؟ کجا نوشته شده؟ اختلاف ناشی از آن چگونه حل و فصل میشود؟ این ابهامات چیزی است که به یک وزیر خارجه کشوری اجازه نمیدهد که کشورش را زیر بار این ابهامات قرار دهد.

پاسخ ادعای آقای ترامپ، تکذیب مودبانه است که هم کل ادعا که حاوی بحث روح قرارداد است شامل میشود و هم موارد مترتب به آن.

واما بعد

جبهه اعتبار و بی اعتباری

اظهارات آقای ترامپ در مورد توافق هسته ای با جمهوری اسلامی بشرح پیش گفته در دو جبهه قابل بررسی است یکی جبهه محکوم (بی اعتباری) و دیگری جبهه حاکم (اعتباری).

جبهه محکوم

مقصود از جبهه محکوم، یعنی اظهارات آقای ترامپ در جبهه ای که مفروض از مقررات حقوقی باشد حرکت ندارد و محکوم است و مقصود از جبهه حاکم یعنی برعکس جبهه محکوم، در این جبهه ادعای آقای ترامپ از موازین حقوقی برخوردار است و لذا قابل حرکت و توجه است.

بظاهر ممکن است این تصور بوجود آید که یک موضوع حقوقی یعنی توافقنامه بین شش کشور و ایران چگونه ممکن است در دو جبهه محکوم و حاکم قرار گیرند.

کاملاً این برداشت درست است؛ در حقوق مدرن روح قرارداد، محلی از اعراب ندارد و قائل شدن جسم و روح برای قرارداد ممکن است امر فلسفی شناخته شود ولی علم حقوق به متنی که امضا شده است توجه دارد و وارد روح قرارداد که امری نا ثابت و برای هر یک از طرفین قرارداد ممکن است متضمن معنا و دست آورد خاصی باشد، وارد نمیشود.

روح قرارداد

در مورد روح قرارداد که در مقابل جسم قرارداد قرار گرفته است تعریف جامع و مقبولی وجود ندارد ولی مفهوم کلی آن که آقای ترامپ هم شاید از آن تبعیت کرده **درک طرفین است** یعنی طرفین قرارداد با آگاهی از درک و غرض نهایی از امضای قرارداد، آن قرارداد را امضا کرده اند.

روح در قرارداد ژنو

آری درست است که حقوق بین الملل و حقوق عادی توجهی به روح قرارداد ندارند ولی **درکمال تاسف در توافق نامه ژنو، جمهوری اسلامی خود را متعهد به رعایت و بکار بست درک های ۱+۵ کرده است.**

توافقنامه ژنو و روح قرارداد

در سال ۲۰۱۴ که توافق نامه ژنو منتشر شد تحریری تحت عنوان <حضور درک در توافق نامه ژنو بتاریخ ۲۶ ژانویه ۲۰۱۴>^۱ تقدیم شد که ابعاد تالی فاسد تعهد جمهوری اسلامی به رعایت درک کشورهای ۱+۵ بیان شده است.

در آن تحریر به موضوعات وابسته به شرط درک و قبول آن از جانب جمهوری اسلامی و مراتب حقوقی آن اشاره شده و درجائی از همان تحریر گفته شده:

<کاملاً درست است که چنین شرطی از شروط صحیحه توافقنامه نمیتواند باشد زیرا تعهد باید روش باشد و درک طرفین امری نامعلوم و نامحدود است ولی بهرحال این شرط در توافق نامه ژنو پیاده شده و متأسفانه مورد اعتراض مجلس اسلامی هم قرار نگرفته که هیچ با تجلیل هم رویرو شده است و بنابر

اعلام مقامات رسمی <کارهای دیپلماتها، قبل و بعد از مذاکرات به تائید رهبر رسیده است (ششم بهمن ماه).

تطبیق مورد

بنابراین میتوان گفت که اظهارات آقای ترامپ مبنی بر نادیده گرفتن روح توافقنامه ژنو از جانب جمهوری اسلامی ادعای واهی نیست و به عبارت دیگر درک و مواضع فکری گروه ۱+۵ از جانب جمهوری اسلامی رعایت نشده است؛ حال برداشت آمریکا از درک و روح توافقنامه چیست وحد آن در کجا متوقف میشود؛ موضوع دیگری است که آینده نشان خواهد داد (تیغ دادن به مست زنگی) باید منتظر باشی که او چه میکند.

سابقه ادعا از جایگاه درک

ادعائی که آقای ترامپ مطرح کرد ادعای بی سابقه ای نیست همین ادعا در دولت او باما که توافقنامه ژنو را به گردن ایران انداخته نیز مطرح شده است و این نشان میدهد که موضوع درک که در توافقنامه ژنو ذکر شده واجد یک موضع و مبنای سیاسی از پیش حساب شده بوده است و نمیتوان گفت امری سهوی و اتفاقی بوده است.

نمونه

روحانی در سال ۲۰۱۵ در کنفرانس اقتصادی داووس موضوع نیاز ایران به سرمایه گذاریهای خارجی را مطرح کرد این درخواست یک درخواست معمولی بود که نمیتوانست با مخالفتی مواجه شود خاصه که توافق نامه ژنو هم محرومیت های ایران را از باب سرمایه گذاری کشورهای دیگر برداشته بود معهذرا در نهایت حیرت با واکنش آمریکا آنها بوسیله شخص او باما روبرو شد و آقای او باما گفت:

<نه تشدید تحریم ها و نه سرمایه گذاری در ایران.>

مفسرین سیاسی در تفسیر بیشتری از اظهارات آقای او باما گفتند <اگر سرمایه ها بسوی ایران جاری شود ممکن است اشتباهی ایران برای رسیدن به یک توافق جامع را از دست بدهد.

متعاقب اظهارات آقای او باما جان کری اظهار داشت که <ایران نیازی به غنی کردن اورانیوم را ندارد و ما اجازه نمیدهم که ایران دارای آب سنگین باشد.>

تمام مراتبی را که در فوق ملاحظه کردید ناشی از همان حق درک برای کشورهای ۱+۵ و تعهد جمهوری اسلامی به رعایت آن است چراکه:

<ممکن است اشتباهی ایران برای رسیدن به توافق جامع را از دست بدهد> ناشی از درک آمریکاست نه موازین توافقنامه ژنو.

اظهار نظر آقای کری هم مبنی بر اینکه <ایران احتیاجی به غنی کردن اورانیوم ندارد> درک آمریکاست نه تصریح موافقتنامه ژنو.

در همین روزها وزیردفاع آمریکا گفت اگر جمهوری اسلامی مهارنشود، کره شمالی خواهد شد؛ این اظهار که در دولت آقای ترامپ شده است تفاوت چندانی با اظهارات دولت مردان سابق آمریکا ندارد همه اینها ناشی از حق درک وسیعی است که جمهوری اسلامی برای ۵+۱ قائل شده است.

ماهیت حق درک

ماهیت اجرایی حق درکی که توافق نامه ژنو برای ۵+۱ قائل شده آنقدر دامنه وسیع دارد که میتوان گفت اصلا باوجود وتثیت چنین حقی برای ۵+۱ نیازی به برجام نبوده است حتی همان ماده کدائی ۲۵ سال حق راستی آزمائی که جمهوری اسلامی به ۵+۱ داده هم زیادی است زیرا درک آمریکا براینکه جمهوری اسلامی متقلب وپنهان کارودر راستای دشمنی با آمریکاست و آمریکاهم درهمین راستانسبت به جمهوری اسلامی ایجاب میکند که درک آمریکا از جمهوری اسلامی درک محافظه کارانه و احتیاط بردار باشد و همین احتیاط است که زمان رفع احتیاط واطمینان از راست کاری جمهوری اسلامی را آمریکا تعیین میکند.

توافق روی شرط درک

آقای عراقچی وحتى ظریف گفتند که توافق نامه ژنو را نخوانده امضا کرده اند نمیتوان این کارحضرات را مطلقا بر مبنای سربهوئی ویا اطمینان به آمریکا گرفت؛ زیرا طبیعت یک حقوقدان خاصه وقتی مسئولیت داشته باشد خواندن است و همین طبیعت است که اگر حق خواندن هم نداشته باشد کنجاوی درونی او بهترتیب او را از مفاد سند مطلع میکند؛ اصطلاح <دیوارموش دارد موش هم گوش> واقعا در مورد حقوقدانان صادق است که میخواهند سروته مسائل حقوقی مطرحه را جستجو کنند.

توافقنامه ژنو، توافقی بوده است که در عمان در مذاکرات فوق محرمانه بین آمریکا و جمهوری اسلامی عمل آمده و وزارت خارجه جمهوری اسلامی ماموریت امضای آن توافق را داشته نه اینکه ماموریت حقوقی برای انجام قرارداد که در اولی وزارت خارجه، نقش ماشین امضا را بازی میکند ودومی در مدار حقوقی ومسئولیت های ناشیه از آن تکلیف دارد.

اگر آقای عراقچی میگوید نخوانده توافقنامه را امضا کرده ماموریت او چنین بوده والا هر شخصی با هر قدر دانش عمومی حتی نه حقوقی میفهمد که نمیشود یک کشور را متعهد ساخت که به ادراکات کشور دیگری متعهد به عمل باشد.

آنجا که آقای ظرف باخوشحالی وقدری پریدن بالا وپائین گفت: <مشکل ۱۰ ساله اتمی را یکروزه حل کردیم> اشاره به همین موضوع است که ایشان ماموریت امضا کردن توافقنامه ای را داشته که قبلا در مذاکرات محرمانه عمل تصدیق شده است.

مذاکرات محرمانه

هیچکس از مدیا از مذاکرات محرمانه عمان اطلاعی ندارد شخصیت مصدری آن مذاکرات آقای صالحی بوده است او در مصاحبه ای بسیار مفصل که باروزنامه ایران داشت بخش عمده ای از ملاقاتها و افراد واسطه نزدیکی آمریکا و ایران و آمادگی آمریکا برای مذاکره ونقش مثبت پادشاه عمان ودخالت مستقیم و

انحصاری خامنه ای در آن مذاکرات و دستور جلسه صحبت کرده است ولی کوچکترین اشاره ای به متن مذاکرات محرمانه نکرده است.

۴۰ صفحه پنهان

❁❁ در همان روزهای اولیه که موافقتنامه ژنو انتشار یافت آقای عراقچی در مجلس اسلامی گفت <صورتجلسات ۴۰ صفحه ای محرمانه هم وجود دارد ولی از باب مطالب آن هیچ توضیحی ندارد>.

❁❁ در رابطه با همان اظهارات آقای عراقچی آقای زیبا کلام در گفتگویی راجع به مذاکرات بین ایران و آمریکا و توافق ژنو گفت: <من اعتقاد دارم که توافق نامه محرمانه ای وجود دارد و حاضرم به هریک از مشاورین رئیس جمهور و آقای ظریف این حرفم را ثابت کنم>.

دستاورد

❁❁ مشکلات اجرایی برجام در دولت آقای ترامپ خودنما میشود و در این دوره است که ایرانیان و جهانیان خواهند دانست که جمهوری اسلامی با چه بی لیاقتی زیر بار چه تحمیلاتی رفته است و چقدر رسوا کننده است که جشن و شادمانی هم گرفته است.

❁❁ جمهوری اسلامی از نخستین روزها میدانست که چه خفتی را بر ملت وکشور ایران تحمیل میکند ولی برای پرده پوشی به اصطاح دست پیش را گرفت که پس نیفتد و مدعی است که نمیگذارد که برجام فسخ شود کسی هم نپرسید مگر برجام قابل فسخ است پس قطعنامه های شورای امنیت که به اعتبار برجام باطل شده است چه میشود.

پاسخ یک پرسش

در این تحریر و همچنین در مسئله پیگیری برجام بایک موضوعی مواجه میشویم که گویی آمریکا انحصارا طرف جمهوری اسلامی است نه ۱+۵

علت این امر یک رویه در قرارداد های چند طرفه است که بمنظور تقسیم کار احوالات قرارداد بین شرکاء تقسیم میشود بهتر است یک مثالی آورده شود.

در یک قرارداد مهم راه سازی چند شرکت بصورت کنسرسیوم طرف دولت قرار میگیرند این شرکتها در یک قرارداد حقوقی بین خودشان تقسیم کار میکنند مثلا کارهای فنی زیر نظر یک شرکت و روابط حقوقی با دولت شرکت دیگری و مطالبه وجه صورت حساب کارکرد ها توسط شرکت دیگری.

بطور مسلم در برجام بین کشورهای طرف ایران یک توافق خصوصی که ارتباطی هم به ایران ندارد بسته شده است و دخالت های آمریکا میتواند از باب آن قرارداد باشد.

شاهد قضیه

از آنجا که در قرارداد برجام کشورهای ۵+۱ متعهد شده اند که جمهوری اسلامی را در داشتن مواد هسته ای برای مقاصد صلح آمیز کمک و مساعدت کنند همین چند روز قبل قراردادی بین چین و آمریکا از یکطرف و جمهوری اسلامی از طرف دیگر برای تامین نیازمندی های جمهوری اسلامی از باب مواد هسته ای صلح آمیز امضا شده است.

در حالیکه بموجب برجام باید این قرارداد بین جمهوری اسلامی و همان کشورهای ۵+۱ باشد نه بین آمریکا و چین با ایران این میتواند ناشی از همان تقسیم کار بین کشورهای ۵+۱ در مورد برجام باشد.